

مدیریت سود و قیمت گذاری ریسک در صنعت بانکداری:

شواهدی از ذخیره مطالبات مشکوک الوصول

احمد بدری *

علی ابراهیم نژاد **

علی طهماسبی ترشیزی ***

چکیده

سود خالص یکی از مهم ترین اقلامی است که بر مبنای روش تعهدی حسابداری محاسبه شده و می تواند در معرض دستکاری مدیران و قضاوت تحلیلگران باشد. تحقیقات نشان می دهد مدیران تمایل دارند با استفاده از اقلام تعهدی، سودهای گزارش شده را با اهداف گوناگون از جمله کاهش نوسانات قیمت سهم، هموار کنند. پژوهش حاضر به دنبال یافتن شواهدی مبنی بر مدیریت سود در صنعت بانکداری ایران با استفاده از ذخیره (هزینه) مطالبات مشکوک الوصول به عنوان مهم ترین قلم تعهدی گزارشگری مالی بانکها، در بازه زمانی ۱۰ ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ است. بر پایه پیشینه پژوهشی انتظار می رود بانکهای با عملکرد واقعی قوی (ضعیف) و پیش بینی عملکرد ضعیف (قوی) اقدام به ذخیره (مصرف) سود آتی، با کاهش (افزایش) سود واقعی از طریق ذخیره مطالبات مشکوک الوصول - به ویژه، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول خاص - کنند. به منظور ارزیابی اثر عملکرد جاری و آتی بر ذخیره مطالبات مشکوک الوصول خاص از جمله نیاز به تأمین مالی خارجی، در دسترس بودن سایر روش های مدیریت سود نظیر شناسایی سود و زیان غیر عملیاتی و پایش نهادهای ناظر در ارتباط با الزامات سرمایه ای و ارتباط ذخیره مطالبات مشکوک الوصول خاص با ریسک از رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که مدیران در صورت عملکرد جاری قوی (سود بالا) اقدام به ذخیره سود کرده و در صورت عملکرد جاری ضعیف (سود پایین)، اقدام به مصرف سود آینده می کنند. نتایج همچنین نشان می دهد، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول خاص با نوسان قیمتی سهام بانکها رابطه معنادار منفی دارد

واژگان کلیدی: بانک، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، ریسک، مدیریت سود

* دانشیار گروه مالی و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) a_badri@sbu.ac.ir

** استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف

*** کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳

مقدمه

سود خالص همواره یکی از مهم‌ترین اقلام مورد توجه سرمایه‌گذاران، محققان و تحلیل‌گران بازار سرمایه بوده که بر قیمت‌گذاری سهام شرکت‌ها در این بازار موثر است. این در حالی است که اقلامی از صورت‌های مالی که جنبه تعهدی^۱ دارند، مستقیماً بر کیفیت سود اعلام شده اثر می‌گذارند. از آنجا که احتمال می‌رود مدیران بانک‌ها نیز با انگیزه مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی اقدام به دستکاری آن کنند و در عین حال، بزرگ‌ترین قلم تعهدی بانک‌ها ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول است (کاناگارتنام، لوبو و متیو^۲ ۲۰۰۳)، پژوهش حاضر به بررسی کیفیت سود اعلامی بانک‌ها و اثر آن در بازار سرمایه می‌پردازد. بدین ترتیب، انتظار می‌رود مدیران بانک‌های با عملکرد واقعی قوی (ضعیف) و پیش‌بینی عملکرد مورد انتظار ضعیف (قوی)، اقدام به ذخیره (مصرف) سود آتی با کاهش (افزایش) سود واقعی از طریق ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول (و به طور ویژه، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص^۳) کنند (فودنبرگ و تیرو^۴ ۱۹۹۵).

در پژوهش حاضر، متغیرهایی که می‌تواند تفاوت‌های مقطعی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به منظور هموارسازی سود را توضیح دهد بررسی می‌شود. همچنین ارتباط ریسک بانک‌ها با ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به منظور بررسی دیدگاه و تفسیر سرمایه‌گذاران از کیفیت سود اعلامی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هدف پژوهش، بررسی مدیریت سود با استفاده از مدیریت اقلام تعهدی در بانک‌ها است. در این راستا، به دنبال یافتن شواهدی از مدیریت سود با استفاده از دستکاری ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول (خصوصاً ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص) و بررسی عکس‌العمل بازار در قبال این رفتار هستیم.

پژوهش حاضر، پیشینه پژوهشی را در چند مورد ارتقا می‌دهد. نخست اینکه فارغ از سایر مطالعاتی که در جستجوی یافتن هموارسازی سود بوده‌اند، به دنبال شناسایی شرایطی است

1. accrual

2. Kanagaretnam, Lobo and Mathieu

۳. مطابق مقررات بانک مرکزی، میزان ذخیره خاص به این شرح محاسبه می‌شود: مانده تسهیلات موضوع طبقه سررسید گذشته ۱۰ درصد، مانده تسهیلات موضوع طبقه معوق ۲۰ درصد و مانده تسهیلات موضوع طبقه مشکوک‌الوصول ۵۰ تا ۱۰۰ درصد (بسته به ارزش قابل بازیافت وثایق). اطلاعات مربوط در قسمت یادداشت‌های صورت‌های مالی بانک‌ها موجود است.

4. Fudenberg and Tirole

که مدیران بانک به دستکاری سود از طریق ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص تمایل دارند. دوم، به بررسی عوامل توضیح‌دهنده ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص می‌پردازد، و سوم اینکه ارتباط بین ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص را با سطح ریسک بانک‌ها می‌سنجد. در ادامه ابتدا مبانی نظری بیان شده، سپس پیشینه پژوهش، فرضیه‌ها، روش پژوهش و در انتها یافته‌ها و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مبانی نظری

سود خالص اعلام‌شده بانک‌ها و داده‌های افشاشده مربوط به آن از جمله اطلاعاتی است که در تصمیم‌گیری تحلیل‌گران بازار سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد. هرچند توجه حرفه حسابداری بر این هدف استوار بوده است که سود خالص گزارش شده، نتیجه عملکرد واحد تجاری را به درستی منعکس نماید؛ اما از آنجا که این رقم بر مبنای تعهدی محاسبه می‌شود و همچنین از آنجا که احتمال می‌رود مدیران بانک‌ها با انگیزه هموارسازی سود اقدام به دستکاری آن کنند، مطالعه و بررسی کیفیت سود اعلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. طبق روش تعهدی، شناسایی درآمدها و هزینه‌ها برخلاف روش نقدی لزوماً همراه با دریافت و پرداخت وجه نقد نبوده و در محاسبه سود از پیش‌بینی‌ها و برآوردها نیز استفاده می‌شود. چگونگی اندازه‌گیری اقلام تعهدی در گزارشگری سود واحد تجاری با موضوع کیفیت سود در ارتباط است. لذا اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق و استفاده از برآورد و پیش‌بینی از جمله عواملی است که کیفیت سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان، بزرگ‌ترین قلم در بین اقلام تعهدی بانک‌ها، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول است که می‌تواند در هموارسازی سود مؤثر بوده و کیفیت سود اعلامی بانک‌ها را تحت الشعاع قرار دهد (کاناگارتنام، لوبو و متیو ۲۰۰۳).

سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود بر اطلاعات مالی مندرج در صورت‌های مالی واحدهای اقتصادی خصوصاً سود گزارش شده اتکا می‌کنند. هم‌چنین نوسان‌های سود به‌عنوان یک معیار مهم ریسک کلی شرکت قلمداد می‌شود و شرکت‌های با سود هموارتر، بیشتر مورد اقبال سرمایه‌گذاران واقع می‌شوند (چنی ۲۰۰۹، مهرانی و همکاران ۱۳۹۳). از این منظر، انتظار می‌رود مدیران بانک‌ها نیز مایل به هموارسازی سود باشند تا از نگاه سهامداران کم‌ریسک قلمداد شوند.

پژوهش حاضر از نگاه هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به ارزیابی کیفیت سود اعلامی

بانک‌ها می‌پردازد و بدین منظور، در بخش نخست، در جستجوی شواهدی از هموارسازی سود است. از آنجا که شناسایی و اندازه‌گیری میزان ذخایر برعهده مدیران بانک‌ها می‌باشد، نهادهای ناظر مانند بورس و بانک مرکزی نیز نگران هرگونه تغییر عمدی در این گونه هزینه‌ها و نهایتاً سود اعلام شده هستند. در پژوهش حاضر فرض می‌شود که هرگونه دستکاری سود در راستای هموارسازی آن توسط مدیران، به جهت نگرانی‌های ناشی از قیمت سهام بانک در بازار سهام می‌باشد. در این راستا، با توجه به نتایج فودنبرگ و تیرویل (۱۹۹۵)، اثر وضعیت جاری و آتی بانک بر سطح ذخایر بانک‌ها و نهایتاً قیمت آنها در بازار سهام بررسی می‌شود. این دو محقق معتقدند مدیران، عملکرد جاری و آتی را در میزان هموارسازی سود تحت نظر قرار می‌دهند و هنگامی که وضعیت کنونی مطلوب نباشد، سودهای آینده را به دوره جاری منتقل می‌کنند تا ریسک نوسان قیمت سهام و همچنین خطر از دست دادن موقعیت شغلی خود را کاهش دهند. بدین معنی که وقتی سود دوره جاری به طور نسبی پایین ولی برای دوره‌های قابل پیش‌بینی آینده به طور نسبی بالاتر باشد (که در پژوهش حاضر به آنها بانک‌های گروه «ضعیف-قوی» گفته می‌شود)، مدیران بانک‌ها با کاهش ذخیره‌گیری دوره جاری، سود جاری را افزایش می‌دهند. به عبارتی آنها با این کار سود آینده را مصرف می‌کنند.

بالعکس، هنگامی که انتظار می‌رود سود دوره آتی پایین باشد (که در پژوهش حاضر به آنها بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» گفته می‌شود)، مدیران بانک‌ها مایلند سود دوره جاری را با افزایش ذخیره‌گیری به آینده انتقال دهند و ریسک نوسان قیمت و ازدست‌دادن موقعیت شغلی خود را کاهش دهند. به عبارتی آنها با این کار سود را برای مصارف آینده نگهداری یا ذخیره می‌کنند. این موضوع در فرضیه‌های اول و دوم مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، به منظور آزمون هموارسازی سود نیاز به شناسایی عواملی است که بر انگیزه مدیران برای این اقدام اثرگذار هستند. به طور عمومی انتظار می‌رود انگیزه مدیران در دستکاری ذخایر به جهت هموارسازی سود تحت تأثیر عوامل زیر قرار بگیرد:

نیاز به تأمین مالی خارجی^۱

نیاز به تأمین مالی خارجی انگیزه‌ای قوی در هموارسازی سود است. به علاوه، این انگیزه در پیشینه پژوهشی کمتر مورد توجه واقع شده است. از آنجا که هزینه تأمین مالی بانک به

1. external finance

ریسک آن مرتبط است، مدیران بانک‌ها علاقه‌مندند تا با هموارسازی سود اعلامی، از نوسانات زیاد سود جلوگیری کنند. در صورتی که بانک با هزینه کمتری تأمین مالی کند، مدیریت و سهامداران بانک منفعت خواهند برد. به این دلیل، بانک‌هایی که نیاز به تأمین مالی خارجی دارند، بیشتر مایل به هموارسازی سود در جهت کاهش هزینه تأمین مالی خواهند بود. بر این اساس، از نسبت «تسهیلات به سپرده‌ها» به عنوان شاخص نیاز به تأمین مالی یاد می‌شود. این شاخص انعکاس‌دهنده نیاز به تأمین مالی جاری و آتی است و در بسیاری از مقالات مورد استفاده قرار گرفته است (پیترسون، ۱۹۹۹). این موضوع در فرضیه سوم مورد بررسی قرار گرفته است.

در دسترس بودن سایر فرآیندهای هموارسازی سود

تاکنون کمتر پژوهشی بر نقش سود و زیان غیرعملیاتی در هموارسازی سود تأکید کرده است. مدیران بانک میزان شناسایی آن را با توجه به اهداف هموارسازی سود خود تغییر می‌دهند. در این راستا، مدیران هنگام مواجهه با سود بالای واقعی و سود پایین پیش‌بینی شده، اقدام به دستکاری سود از طریق ذخیره م.م خاص یا سود و زیان غیرعملیاتی می‌کنند. درسوی مخالف، هنگامی که مدیریت بانک پس از عملکرد ضعیف واقعی با خطر عزل مواجه شود، ممکن است هم از ذخیره م.م خاص و هم از سود و زیان غیرعملیاتی به منظور افزایش سود دوره جاری بهره‌بردارد. این موضوع در فرضیه چهارم مورد بررسی قرار گرفته است.

پایش نهادهای ناظر در ارتباط با الزامات کفایت سرمایه

پژوهش‌های گذشته شواهدی از رفتار متفاوت نهادهای ناظر با بانک‌های برخوردار از کفایت سرمایه لازم و سایر بانک‌ها حکایت می‌کند (کیم و کراس، ۱۹۹۸). در ایران نیز بانک‌هایی که از کفایت سرمایه کافی برخوردار نباشند، تحت نظارت سخت‌گیرانه‌تری از جانب بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر قرار می‌گیرند. این موضوع در فرضیه پنجم مورد بررسی قرار گرفته است.

به منظور اجرای پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش فودنبرگ و تیرول (۱۹۹۵)، بانک‌ها از طریق شاخص میانه^۱ سود مدیریت‌نشده جاری و آتی به چهار گروه «ضعیف-

۱. دلیل استفاده از شاخص میانه در پژوهش حاضر، حفظ توازن تعداد مشاهدات در دو گروه مورد بررسی «ضعیف-قوی» و «قوی-ضعیف» بوده است.

قوی»، «ضعیف-ضعیف»، «قوی-قوی» و «قوی-ضعیف» تقسیم می‌شوند و فرض می‌شود تنها مدیران گروه‌های اول و آخر اقدام به دستکاری ذخایر و هموارسازی سود می‌کنند. لذا این اقدام در هریک از دو گروه یادشده مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خود به دو بخش عمومی (ذخیره لحاظ‌شده ناشی از تغییرات مانده تسهیلات) و خاص (ذخیره لحاظ‌شده تحت کنترل مدیریت) تقسیم می‌شود. لذا آزمون‌های پژوهش حاضر در دو گروه بانک‌های یادشده، هم در سطح «جمع ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول» و هم در سطح «ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص» (ذخیره م.م خاص) بررسی می‌شود. از آنجا که بخش خاص ذخیره، شواهد مشخص‌تری از هموارسازی سود را در اختیار می‌گذارد - زیرا مستقیماً در اختیار مدیریت بانک قرار دارد - ارتباط بین آن و ریسک نیز در بخش دوم بررسی می‌شود. بر اساس پژوهش یاسودا و همکاران^۱ (۲۰۰۳)، انتظار می‌رود که ارتباط معناداری بین ذخیره م.م خاص و ریسک - که با معیارهای مشخصی اندازه‌گیری می‌شود - وجود نداشته باشد. از آنجا که نوسانات بیش از اندازه سهام بر وضعیت تأمین مالی شرکت و میزان دسترسی به منابع مالی اثرگذار است، مدیران به آن توجه ویژه‌ای دارند و لذا نوسان قیمت سهم در بازار به‌عنوان معیار ریسک تعریف می‌شود. این موضوع نیز در فرضیه ششم مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

سود خالص یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها و قیمت‌گذاری سهام آنها در بازار سهام به‌شمار می‌رود. لذا نظر به حساسیت و اهمیت سود خالص، دقت در محاسبه و ارائه آن همواره به‌عنوان یکی از موضوعات جذاب برای تحلیل‌گران به‌شمار رفته است. همچنین، آگاهی سهامداران از کیفیت سود می‌تواند بر میزان عرضه و تقاضا و در نتیجه قیمت سهام در بورس تأثیرگذار باشد. میزان اقلام تعهدی معمولاً به‌عنوان شاخصی از کیفیت سود در نظر گرفته می‌شود. انعطاف‌پذیری ذاتی استانداردهای حسابداری و مبنای تعهدی به مدیران اجازه می‌دهد که در گزارشگری مالی به دلایل متعدد، قضاوت خود را اعمال کنند. اعمال قضاوت توسط مدیران و اختیارات آنان در فرایند گزارشگری مالی به «مدیریت سود»^۲ شهرت یافته است (اعتمادی و دیگران، ۱۳۹۱). به بیان دیگر، مدیریت سود گزارش غیر واقعی عملکرد اقتصادی واحد تجاری

1. Yasuda et al
2. Earnings management

است که به منظور گمراه نمودن برخی ذینفعان و یا تحت تأثیر قرارداد نایب قراردادی انجام می شود (زلفی و دیگران، ۱۳۹۷). همچنین، پژوهش ها حاکی از هموارسازی سود توسط مدیران به منظور دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده می باشد (به عنوان مثال، اسمیت و همکاران^۱، ۱۹۹۴؛ رونن و سادان^۲، ۱۹۸۱). از آنجا که تحلیلگران، سرمایه گذاران، مدیران و هیأت مدیره سود را به عنوان مهم ترین قسمت گزارش های مالی منتشر شده توسط شرکت ها تلقی می کنند و میزان آن در تعیین حقوق، مزایا و پاداش مدیران تأثیرگذار است، مدیران از انگیزه لازم برای مثبت جلوه دادن عملکرد خود برخوردارند تا اقدام به دستکاری صورت های مالی کنند (دجورج و دیگران^۳، ۱۹۹۱). شاخص های متعددی برای مدیریت سود در پژوهش ها تعریف شده است، اما بیشتر آنها اقلام تعهدی اختیاری^۴ را به عنوان شاخص مدیریت سود در نظر گرفته اند (عبدالرحمان و محمدعلی^۵، ۲۰۰۶؛ بیسلی^۶، ۱۹۹۶، ویلسون و وانگ^۷، ۲۰۱۰). اقلام تعهدی اختیاری جزئی از حسابداری تعهدی است که شامل انتظارات مدیر از اتفاقات آتی پیش بینی نشده می شود. این اقلام زمانی که به منظور ارائه نادرست اطلاعات به سهامداران دستکاری شده باشند، گمراه کننده خواهند بود (دجو و دیجو، ۲۰۰۲؛ واسون و بون^۸، ۲۰۱۰). در تحقیقات حوزه مدیریت سود، بانک ها و سایر مؤسسات مالی عموماً به دلیل ویژگی های خاص و متمایز خود از سایر بنگاه ها مستثنی شده و بررسی نشده اند (پیزنل، پوپ و یانگ^۹، ۲۰۰۰)، این در حالی است که علاوه بر انگیزه های مرسوم برای مدیریت سود در سایر صنایع^{۱۰}، در صنعت بانکداری مجموعه ای از عوامل دیگر وجود دارد که انگیزه هایی جهت مدیریت سود را به عنوان یک راهبرد مستمر فراهم می آورد. به عنوان مثال، بانک ها ناچارند در قبال موقعیت های دارای ریسک، الزامات سرمایه ای مشخصی را رعایت کنند. از سوی دیگر، سهام بسیاری از بانک ها در

1. Smith et al
2. Ronen and Sadan
3. Degeorge et al
4. Discretionary accruals
5. Mohamed Ali AbdulRahman & Fairuzana Heneem
6. Beasley
7. Wilson and Wang
8. Wasan and Boone
9. Peasnell, Pope and Young

۱۰. از میان انگیزه های مدیران در مدیریت سود که در پژوهش های مختلف مورد بررسی قرار گرفته شده است، لوبو و ژو (۲۰۰۱) به اثر سود خالص، اسومن (۲۰۰۹) مدیریت سود برای قرارداد بدهی، واتز و زیمرمن (۱۹۷۸) به هزینه های سیاسی، هلی (۱۹۸۵) به طرح های پاداش مدیریت، نوروش و کردلر (۱۳۸۴) به ساختار مالکیت، گوان (۲۰۰۱) به انگیزه های مالیاتی، مشایخی و صفری (۱۳۸۵) به نقش نقد ناشی از عملیات، پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) به نقش انحراف در فعالیت های عملیاتی و کاشانی و یعقوبی (۱۳۸۵) به امنیت شغلی اشاره کرده اند.

بازارهای سهام به طور عمومی معامله شده و به صورت مداوم توسط تحلیل گران مالی مورد بررسی قرار می گیرند. سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی نیز دو نهاد ناظر بر فعالیت های بانک ها به شمار می روند. عدم دستیابی به اهداف کلیدی بانک ها بر اساس نسبت های مالی خاصی مانند بازده دارایی ها، نسبت سود به جریان نقدی عملیاتی و غیره می تواند اثر منفی بر قیمت های سهام بگذارد. هم چنین عدم دستیابی به اهداف می تواند اعتبار بانک را زیر سوال برده و منجر به کاهش سپرده های مشتریان و زیان بانک شود.

دیانتیمالا^۱ (۲۰۱۸) مانند جین و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در تحقیق خود نشان دادند که بانک ها سود را از طریق ذخیره مطالبات مشکوک الوصول مدیریت می کنند. احمد، تاکدا و توماس^۳ (۱۹۹۹) نشان دادند که ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به منظور مدیریت سرمایه^۴ و الزامات قانونی کفایت سرمایه بکار می رود. نتایج آنها حاکی از تمایل بانک ها به افزایش ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و ارتقای سرمایه به منظور تطبیق با مقررات بازل است. در مطالعه ای دیگر، چانگ و همکاران (۲۰۰۸) ارتباط بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول اختیاری^۵ و عملکرد عملیاتی بانک ها را در بورس سهام تایوان نشان دادند. در پژوهش کورنت، مکانات و تهرانیان^۶ (۲۰۰۶) این نتیجه گیری استنباط می شود که ذخیره مطالبات مشکوک الوصول اختیاری، به مدیریت سود مرتبط است. به طور کلی، تمام پژوهش های فوق ارتباط مثبتی بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و مدیریت سود یافته اند.

پژوهش حاضر نیز به مدیریت سود با استفاده از مدیریت اقلام تعهدی در بانک ها می پردازد. در این بین بزرگ ترین قلم در بین اقلام تعهدی بانک ها، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول است (کاناگارتنام و همکاران، ۲۰۰۳) که بر اساس زیان تحقق یافته محاسبه می شود و می تواند کیفیت سود اعلامی بانک ها را زیر سوال قرار دهد.

همچنین در بررسی فرصت های سرمایه گذاری به دو مقوله ریسک و بازده توجه می شود و فرض می شود که سرمایه گذاران از ریسک گریزانند و در صورتی که احتمال وقوع ریسک خاصی را دهند نرخ بازده مورد انتظار خود را متناسب با آن تعدیل می نمایند. سرمایه گذاران اغلب مایل به سرمایه گذاری در شرکت هایی هستند که ریسک کمتری

1. Diantimala
2. Jin et al
3. Ahmed, Takeda and Thomas
4. Capital management
5. Discretionary Loan Loss Provision (DLLP)
6. Cornett, McNutt and Tehranian

داشته و متناسب با آن بازده مناسبی نیز به دست آورند. از آنجاکه یکی از شاخص‌های ریسک، نوسانات بازده سهام است و قیمت سهام نیز به نحوی با سود هر سهم شرکت در ارتباط است، شرکت‌ها تمایل دارند با کاهش نوسانات در سود باعث کاهش در نوسانات بازده شوند و در نهایت، تصور سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از ریسک شرکت را تحت تأثیر قرار دهند. لذا شرکت‌ها با این هدف اقدام به هموارسازی سود می‌کنند که با سود گزارش شده، خبر مثبتی به بازار مخابره کنند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۳).

مهرانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی، رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام را با استفاده از اطلاعات نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها همچنین این مسأله را مورد بررسی قرار داده‌اند که وضعیت ریسک شرکت‌هایی که سودهای باکیفیت خود را هموار می‌کنند، چگونه است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که بین شاخص کیفیت سود و ریسک سهام رابطه منفی و معنادار وجود دارد. خواجه‌وی و ناظمی (۱۳۸۴) ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام را با تأکید بر نقش اقلام تعهدی بررسی کردند. براساس یافته‌های آنها، میانگین بازده سهام شرکت‌ها تحت تأثیر میزان اقلام تعهدی و اجزای مربوط به آن قرار نمی‌گیرند..

پژوهش‌های اندکی در زمینه مدیریت سود از طریق ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و قیمت گذاری این ریسک در بازار سهام صورت گرفته است. ویژگی بارز ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول - برخلاف اقلام تعهدی سایر بنگاه‌های غیرمالی - در تأثیر همزمان آن بر سودآوری و ریسک بانک است (بوشمن و ویلیامز^۱، ۲۰۱۱ و بیٹی و لیاو^۲، ۲۰۰۹). بر این مبنای، به دلیل اهمیت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول در بین اقلام تعهدی بانک‌ها، پژوهش حاضر ابتدا اثر آن را بر مدیریت سود بانک‌ها و سپس، قیمت گذاری آن در بازار سهام را مورد بررسی قرار خواهد داد.

فرضیه‌ها

فرضیه اول: نسبت هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» نسبت به بانک‌های گروه «ضعیف-قوی» بالاتر است.

1. Bushman and Williams
2. Beatty and Liao

فرضیه دوم: نسبت هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول خاص برای بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» نسبت به بانک‌های گروه «ضعیف-قوی» بالاتر است.

فرضیه سوم: سطح هموارسازی سود از طریق ذخیره خاص با نسبت تسهیلات به سپرده‌ها رابطه دارد.

فرضیه چهارم: سطح هموارسازی سود بانک‌ها از طریق ذخیره خاص با سطح سود و زیان غیرعملیاتی رابطه دارد.

فرضیه پنجم: سطح هموارسازی سود از طریق ذخیره خاص با کفایت سرمایه رابطه دارد.

فرضیه ششم: نسبت ذخیره خاص با سطح ریسک بانک رابطه ندارد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر، بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس است و نمونه آماری شامل کلیه شرکت‌های جامعه آماری است که حداقل اطلاعات لازم آنها در دسترس باشد. به منظور گروه‌بندی بانک‌ها در گروه‌های چهارگانه، نیاز است که اطلاعات واقعی و پیش‌بینی آنها موجود باشد. قلمرو زمانی پژوهش حاضر نیز اطلاعات بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ (۱۰ سال) است. نمونه آماری شامل ۱۰۳ مشاهده بانک-سال در بازه زمانی یادشده است.

از آنجا که اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش حاضر شامل بسیاری از ارقام مندرج در صورت‌های مالی حسابرسی‌شده شرکت‌ها است، داده‌های مورد نیاز از سایت‌های شرکت مدیریت فناوری بورس تهران به نشانی www.tsetmc.com، سامانه نرم‌افزاری tseclient و سیستم جامع اطلاع‌رسانی ناشران به نشانی www.codal.ir استخراج می‌شوند. همچنین، سایر اطلاعات موردنیاز مربوط به صورت‌های مالی شرکت‌ها از کتابخانه سازمان بورس و اوراق بهادار تهران تأمین شده است.

روش‌شناسی پژوهش

به منظور برآورد ضرایب اجزای ذخیره خاص و و بررسی اثر این متغیر بر ریسک، از مدل‌های ذیل جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

مدل (۱)

$$DLLP_{it} = \beta_0 + \beta_1 NOPI_{it} + \beta_2 L/DEP_{it} + \beta_3 WELL_{it} + \beta_4 LASSET_{it} + \beta_5 CHNPL_{it} + \beta_6 NPL_{it-1} + \beta_7 CHLOAN_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$RISK_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 DLLP_{i,t-1} + \alpha_2 ASSET_{it} + \alpha_3 FREQUENCY_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای بکاررفته در مدل‌های فوق به قرار ذیل اند:

جدول (۱). معرفی و تعریف متغیرهای پژوهش

تعریف	متغیر
هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول خاص تقسیم بر جمع تسهیلات دوره	$DLLP_{it}$
سطح ریسک گروه بانک‌های «قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی» در سال t	$RISK_{it}$
سود و زیان غیرعملیاتی تقسیم بر جمع دارایی‌های دوره	$NOPI_{it}$
نسبت جمع تسهیلات به جمع سپرده‌ها	L/DEP_{it}
لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها	$LASSET_{it}$
تسهیلات غیرجاری اول دوره تقسیم بر جمع تسهیلات دوره	NPL_{it-1}
تغییرات در مانده تسهیلات غیرجاری تقسیم بر جمع تسهیلات دوره	$CHNPL_{it}$
تغییرات در مانده تسهیلات تقسیم بر جمع تسهیلات دوره	$CHLOAN_{it}$
ذخیره خاص بانک‌های «قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی» با یک‌دوره وقفه	$DLLP_{i,t-1}$
لگاریتم طبیعی ارزش دفتری جمع دارایی‌ها در سال t	$LASSET_{it}$
میانگین حجم روزانه معاملات سهام در سال t تقسیم بر کل سهام در جریان در ابتدای سال t	$FREQUENCY_{it}$
متغیر مجازی ^۱ است که اگر کفایت سرمایه بر اساس الزامات قانونی (۸ درصد و بالاتر) باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر است.	$WELL_{it}$

به منظور آزمون فرضیه اول و دوم، نیاز به شناسایی بانک‌هایی است که مدیران آنها تمایل بیشتری به هموارسازی سود دارند. روش به کار گرفته شده در این بخش، مشابه روش فوندبرگ و تیروول (۱۹۹۵) است. در این روش، بانک‌ها بر پایه عملکرد قوی و ضعیف واقعی و پیش‌بینی عملکرد قوی و ضعیف در چهار گروه قرار می‌گیرند. شاخص عملکرد قوی و ضعیف بانک‌ها، فزونی یا کسری سود قبل از مالیات و ذخیره (تقسیم بر جمع دارایی‌ها) از میانه سود صنعت در دوره مورد بررسی است. بر پایه نتایج تحقیق فوندبرگ و

1. Dummy variable

تیرول (۱۹۹۵)، مدیران بانک‌های دو گروه «قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی» بیشتر در معرض دغدغه‌های شغلی هستند.^۱

جدول (۲). طبقه‌بندی بانک‌ها بر اساس سود مدیریت نشده واقعی و پیش‌بینی

عنوان	بانک‌های با سود واقعی بالاتر - از میانه صنعت	بانک‌های با سود واقعی پایین‌تر از میانه صنعت
بانک‌های با پیش‌بینی سود پایین‌تر از میانه صنعت	گروه ضعیف-ضعیف	گروه ضعیف - قوی
بانک‌های با پیش‌بینی سود بالاتر - مساوی از میانه صنعت	گروه قوی - ضعیف	گروه قوی - قوی

به منظور بررسی فرضیه‌های سوم تا پنجم، از مدل شماره (۱) استفاده می‌شود. سپس به منظور بررسی اثر ذخیره م.م خاص بر ریسک (فرضیه ششم) مدل دوم رگرسیون مجموعاً برای تمام مشاهده‌های هر دو گروه بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی» (۴۰ مشاهده) برقرار می‌شود. در مدل دوم (برگرفته شده از پژوهش یاسودا و همکاران (۲۰۰۴)) متغیر وابسته (ریسک)، با سه سنج ریسک بازار به شرح زیر سنجیده می‌شود:

(۱) ریسک کل^۲: منظور از ریسک کل، انحراف معیار بازدهی ماهانه سهام بانک در هر سال مالی است.

(۲) ریسک غیرسیستماتیک^۳

(۳) ریسک سیستماتیک^۴

به منظور برآورد ریسک سیستماتیک سهام مدل‌های مختلفی وجود دارد که شاخص‌ترین آنها مدل قیمت‌گذاری دارایی سرمایه‌ای (شارپ، ۱۹۶۴؛ لینتر ۱۹۶۵)، مدل قیمت‌گذاری آریترائز (راس، ۱۹۷۶)، مدل عاملی (چن، رول و راس، ۱۹۸۶) و مدل شاخصی (فاما و فرنچ، ۱۹۹۲) هستند. از آنجا که دیگر محققانی که به مدل‌سازی روابط انواع ریسک با مدیریت سود پرداخته‌اند، به منظور برآورد ریسک سهام از مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای^۵ استفاده نموده‌اند (نوری بروجردی، سوری و اشرف

۱. به همین منظور در پژوهش حاضر صرفاً این دو گروه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

2. Total risk
3. Firm-specific risk
4. Systematic risk
5. Capital Asset Pricing Model (CAPM)

گنجویی، ۱۳۹۲؛ وان محمد و وسیونزمان و مهدزاینی^۱، ۲۰۱۱ و یاسودا، اُکودا و کونیشی، ۲۰۰۴^۲ در پژوهش حاضر نیز، برای برآورد ریسک‌های غیرسیستماتیک و سیستماتیک از این مدل بهره گرفته می‌شود.

مدل CAPM با رویکرد جملات باقیمانده (که از آن به مدل دوشاخسی هم یاد می‌شود) به این شرح متصور است:

$$R_{it} = \beta_0 + \beta_1 R_{Mt} + \beta_2 R_{Ft} + e_{it}$$

که در این رابطه R_{it} بازدهی ماهانه سهام گروه بانک‌های «ضعیف - قوی» و «قوی - ضعیف» در پایان دوره مالی t ، R_{Mt} بازدهی ماهانه شاخص کل بورس تهران (TEDPIX)، R_{Ft} بازدهی ماهانه بدون ریسک (بازده تضمین شده) و e_{it} باقیمانده مدل رگرسیونی بیان شده است.

در این مدل پس از رگرس کردن بازدهی ماهانه سهام بانک‌های «قوی - ضعیف» و «ضعیف - قوی» بر شاخص بازدهی ماهانه بازار و بازدهی ماهانه سپرده‌های یک‌ساله بانکی در پایان ۱۲ ماه متوالی، باقیمانده ریسک سیستماتیک تحت عنوان جملات باقیمانده ظاهر شده که انحراف معیار آن ریسک غیرسیستماتیک بانک می‌باشد. با این وصف، ریسک غیرسیستماتیک بانک به این شرح خواهد بود:

$$\text{Unsystematic risk: } \sigma = \sqrt{\frac{\sum_{t=1}^{n=12} (e_{it} - \bar{e}_{it})^2}{n-1}}$$

لذا طبق این معادله، ریسک خاص گروه بانک معادل انحراف معیار باقیمانده معادله فوق است. مجموع ریسک سهام پیش روی هر بانک که نوسانات بازده سهام آن در پایان ۱۲ ماه متوالی است، به این شرح محاسبه می‌شود:

$$\text{(Total) Equity risk: } \sigma = \sqrt{\frac{\sum_{t=1}^{n=12} (R_{it} - \bar{R}_{it})^2}{n-1}}$$

که در مدل فوق R_{it} بازدهی گروه بانک‌های «ضعیف - قوی» و «قوی - ضعیف» در پایان دوره t ، \bar{R}_{it} میانگین بازدهی گروه بانک‌های «ضعیف - قوی» و «قوی - ضعیف» در طی n دوره، σ انحراف معیار بازده‌ها یا جملات باقیمانده ۱۲ ماهه گروه بانک‌های «ضعیف - قوی» و «قوی - ضعیف» برای محاسبه ریسک کل و ریسک خاص و n : تعداد مشاهده‌ها برای محاسبه ریسک سهام (۱۲ ماهه در این رابطه) است. حال، با در اختیار داشتن

1. Wan Mohammad, Wasiuzzaman and Mohd Zaini
2. Yasuda, Okuda and Konishi

ریسک کل سهام بانک و ریسک غیرسیستماتیک، ریسک سیستماتیک را می توان به این شکل محاسبه کرد:

$$\text{Systematic risk} = (\text{Total}) \text{Equity risk} - \text{Unsystematic risk}$$

در پژوهش حاضر، شاخص قیمت و بازده نقدی بورس اوراق بهادار تهران که تحت عنوان TEDPIX منتشر می شود، نماینده نوسانات بازار (R_{Mt}) در نظر گرفته شده و نرخ بازده تضمین شده (R_{Ft})، حداقل نرخ تعیین شده بانک مرکزی برای سپرده های سرمایه گذاری یک ساله است. علت انتخاب این نرخ به تورم مورد انتظار برمی گردد. در صورتی که سودی به صورت ماهانه پرداخت شود، انتظارات تورمی به کمترین حد خود می رسد. در نتیجه، درحالی که بازده های ماهانه مبنای محاسبه ریسک قرار گیرند، مناسب ترین نرخ بازده بدون ریسک مورد استفاده در مدل CAPM، نرخ بازده سپرده های سرمایه گذاری یک ساله بانک ها است که به صورت ماهانه و نقدی پرداخت می شود (نوری بروجردی، سوری، ۱۳۹۲).

تحلیل داده ها

آماره توصیفی

در این بخش، آماره توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه می شوند. جدول (۲) مربوط به طبقه بندی بانک های بورسی و فرابورسی در چهار گروه «قوی-ضعیف»، «قوی-قوی»، «ضعیف-قوی» و «ضعیف-ضعیف» است. سپس در جداول (۳) و (۴) آماره توصیفی مربوط به متغیرهای مدیریت سود و قیمت گذاری ریسک در صنعت بانکداری بررسی می شود. جدول (۵)، به شرح جمع ذخیره مطالبات مشکوک الوصول در بانک های هر گروه می پردازد. سپس، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول خاص در چهار گروه بانک یادشده، در جدول (۶) ارائه خواهد شد.

جدول (۳). مشاهده های بانک - سال بر اساس سود مدیریت نشده

سود مدیریت نشده سالانه	سود سالانه مدیریت نشده واقعی	
	قوی	ضعیف
قوی	۳۱	۲۰
ضعیف	۲۰	۳۲

نمونه آماری شامل ۱۰۳ مشاهده بانک - سال در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ است. نمونه

آماري از بين بانک‌هاي انتخاب شده‌اند که حتماً داده‌هاي مربوط به سود سالانه پيش‌بيني آنها موجود باشد که تعداد آنها در قلمرو زماني يادشده، ۱۰۳ مشاهده بوده است. در جدول (۳)، منظور از سود مديریت‌نشده، سود قبل از کسر ماليات و ذخيره مطالبات مشکوک‌الوصول است که بر جمع دارايي‌هاي هر بانک^۱، تقسيم شده است. به‌منظور انتخاب مشاهدات و جايجزيني آنها در گروه‌هاي چهارگانه، از شاخص ميانه استفاده شده است. بدین‌منظور، ميانه سود مديریت‌نشده بانک‌ها براي دوره واقعي و پيش‌بيني هر سال محاسبه شده است. بانک‌هاي با سود مديریت‌نشده زير شاخص ميانه صنعت، در زمره بانک‌هاي ضعيف و بانک‌هاي با سود مديریت‌نشده بزرگتر يا مساوي شاخص ميانه صنعت در زمره بانک‌هاي قوي قرار گرفته‌اند. از آنجا که انتظار مي‌رود بانک‌هاي دو گروه «ضعيف-قوي» و «قوي-ضعيف» دست به مديریت سود بزنند، پژوهش حاضر بر اين دو گروه از بين گروه‌هاي چهارگانه متمرکز است. بر اين اساس، تعداد ۲۰ مشاهده بانک - سال در دو گروه مورد بررسي جای گرفته‌اند.

۱. به‌منظور حذف اثر اندازه بانک‌ها، متغير سود در هر مشاهده، بر ميزان دارايي‌هاي هر بانک در انتهاي سال تقسيم شده است.

جدول (۴). آماره توصیفی متغیرهای مربوط به مدیریت سود در صنعت بانکداری (کلیه ارقام به جز سطر آخر و دو ستون سمت چپ، به میلیون ریال است)

متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	حداکثر	%۲۵	میان	%۷۵	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سپرده‌ها	Deposits	۱۰۳	۲۱۷,۰۸۱,۱۴۶	۱,۱۸۶,۴۸۲,۳۸۵	۳۴,۴۱۶,۱۶۳	۱۰۴,۵۳۰,۰۰۰	۲۹۹,۳۲۳,۳۱۶	۲۵۵,۷۲۵,۳۲۱	۱/۷۹	۲/۹۲
جمع‌داری‌ها	Assets	۱۰۳	۲۸۱,۷۴۴,۱۵۸	۱,۶۶۸,۷۹۳,۴۴۸	۴۳,۰۶۴,۶۲۸	۱۲۲,۹۷۹,۹۷۳	۴۲۲,۱۳۹,۹۵۶	۳۵۸,۹۱۹,۶۶۸	۱/۹۴	۳/۷۱
جمع تسهیلات	Loans	۱۰۳	۱۸۳,۶۳۳,۴۴۵	۱,۰۸۸,۶۹۹,۱۲۶	۲۱,۴۷۴,۰۸۸	۷۹,۰۵۰,۰۲۳	۲۴۳,۵۳۳,۰۸۹	۲۴۹,۹۲۶,۰۳۹	۱/۸۴	۳/۰۷
هزینه م.م عمومی	NLLP	۹۵	۲,۳۶۰,۳۴۹	۱۵,۵۲۵,۲۶۸	۴۰,۰۶۲۱	۱,۱۶۸,۸۷۹	۳,۵۱۶,۵۹۳	۲,۶۶۴,۸۰۷	۱/۹۱	۵/۴۳
هزینه م.م خاص	DLLP	۹۵	۷۸۰,۱۰۷۸۰	۷۹,۳۱۵,۰۵۰	۵۷۷,۴۴۷	۱,۷۹۲,۲۴۷	۱۱,۵۱۴,۸۵۱	۱۱,۵۶۶,۴۸۳	۱/۹۱	۳/۳۰
جمع هزینه م.م	LLP	۱۰۳	۹,۸۱۷,۰۲۹	۶۴,۸۴۰,۳۱۸	۷۷۱,۷۲۳	۳,۱۲۴,۹۳۵	۱۴,۸۰۶,۲۴۳	۱۳,۸۱۹,۴۴۰	۱/۹۴	۳/۶۶
سود غیر عملیاتی	NOPI	۱۰۳	۱,۴۲۴,۴۳۲	۲۲,۹۰۵,۹۳۳	۵۸,۵۶۹	۲۵۵,۶۵۶	۱,۰۱۳,۳۷۳	۳,۱۵۶,۸۷۸	۴/۱۹	۲/۷۶
تسهیلات غیر جاری	NPLs	۱۰۳	۳۳,۱۰۰,۰۰۶	۱۷۳,۵۲۶,۸۱۴	۳,۱۷۲,۵۵۲	۱۰,۵۲۴,۳۶۰	۶۲,۱۴۱,۱۶۰	۴۰,۹۹۲,۷۱۰	۱/۳۹	۱/۲۴
نسبت کفایت سرمایه	Well	۱۰۳	%۱۳/۲۱	%۲۲/۷	%۷/۷۵	%۹/۲۷	%۱۴/۶۹	%۱۳/۸۶	%۵/۸۵	%۴/۶

جدول (۵). آماره توصیفی متغیرهای مربوط به قیمت گذاری ریسک در صنعت بانکداری (جمع تعداد مشاهدات گروه‌های «قوی - ضعیف» و «ضعیف - قوی»)

متغیر	نماد متغیر در مدل	تعداد مشاهدات	میانگین (%)	%۲۵	میان	%۷۵	انحراف معیار (%)	چولگی	کشیدگی
ریسک سیستماتیک	System	۴۰	۱/۱۲	-۵/۸۷	۰/۵۵	۳/۱۳	۸/۴۶	-۰/۷۶	۰/۹۱
ریسک خاص	Firm	۴۰	۱۱/۲۸**	۶/۰۵	۸/۱۴	۱۴/۳۴	۸/۳۸	۱/۴۵	۱/۶۸
ریسک کل	E-risk	۴۰	۱۲/۴۰**	۵/۵۳	۱۰/۸۷	۱۸/۷۴	۸/۴۵	۰/۸۳	۰/۷۱
حجم معاملات	Frequency	۴۰	۰/۰۰۰۵۲۸	۰/۰۰۰۱۴۳	۰/۰۰۰۲۹۴	۰/۰۰۰۷۲۱	۰/۰۰۰۶۲۲	۲/۷۰	۹/۳۸
لگاریتم طبیعی دارایی‌ها	Lasset	۴۰	۱۸/۶۹	۱۷/۸۲	۱۸/۶۸	۱۹/۶۱	۱/۳۰	-۰/۱۱	-۰/۲۳

System ریسک سیستماتیک، Firm ریسک خاص و E-risk ریسک کل هستند که هر سه بر اساس مدل CAPM با رویکرد جملات باقیمانده بدست آمده‌اند. Frequency بیانگر حجم معاملات است که حاصل تقسیم میانگین حجم روزانه معاملات بر کل سهام برای هر مشاهده است. Lasset هم بیانگر لگاریتم طبیعی دارایی‌های هر مشاهده است.

در جدول (۵)، داده‌های مربوط به هر دو گروه از مشاهدات بانک‌های «قوی-ضعیف» به تعداد ۲۰ مشاهده و بانک‌های «ضعیف-قوی» به تعداد ۲۰ مشاهده (مجموعاً ۴۰ مشاهده) مورد بررسی قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که داده‌های این جدول، به دلیل ماهیت سالانه بودن یک مرحله بازآفرینی شده‌اند. یعنی، ابتدا بر اساس آنچه که در روش پژوهش ذکر شد، مشاهده‌های هر بانک در دو گروه مورد بررسی، از ماهانه به سالانه تبدیل شده‌اند و در این مسیر، تعداد ۲۱۳ مشاهده مربوط به بازدهی‌های ماهانه در گروه بانک‌های «ضعیف-قوی» و تعداد ۲۳۰ عدد مشاهده مربوط به بازدهی‌های ماهانه در گروه بانک‌های «قوی-ضعیف» در نهایت به ۴۰ عدد مشاهده سال-بانک تبدیل شده است. همان‌طور که در جدول (۴) مشخص است، در بازه زمانی تحقیق بیش از ۹۰ درصد ریسک کل ناشی از ریسک خاص بوده است که از نظر آماری در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار محسوب می‌شود. از داده‌های این بخش به منظور آزمون فرضیه ششم، یعنی قیمت‌گذاری ریسک ناشی از دستکاری سود با استفاده از ذخیره م.م خاص استفاده می‌شود.

تجزیه و تحلیل آزمون‌ها

به منظور آزمون فرضیه نخست که مربوط به یافتن شواهدی دال بر مدیریت سود در بانک‌ها از طریق جمع ذخیره م.م است، اطلاعات مربوط به ذخیره مطالبات مشکوک الوصول بر اساس گروه‌بندی از پیش تعیین شده در جدول (۶) گزارش شده است.

جدول (۶). جمع ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول برای مشاهده‌های گروه‌های چهارگانه^۱

		عملکرد واقعی			
		ضعیف	قوی	کل	
		۱	۲		
پیش‌بینی عملکرد	ضعیف	میانگین	۰/۰۵۳۶	۰/۰۶۳۴***	۰/۰۵۷۵
		میانه	۰/۰۵۴۹	۰/۰۴۱۹	۰/۰۵۱۸
		انحراف معیار	۰/۰۲۵۸	۰/۰۴۸۲	۰/۰۳۶۱
		مشاهدات	۳۱	۲۰	۵۱
			۳	۴	
	قوی	میانگین	۰/۰۳۰۷***	۰/۰۳۱۵	۰/۰۳۱۲
		میانه	۰/۰۳۲۷	۰/۰۳۴۷	۰/۰۳۳۵
		انحراف معیار	۰/۰۲۱۰	۰/۰۱۷۰	۰/۰۱۸۴
		مشاهدات	۲۰	۳۲	۵۲
	کل	میانگین	۰/۰۴۴۶	۰/۰۴۳۸	۰/۰۴۴۲
		میانه	۰/۰۴۷۲	۰/۰۳۷۰	۰/۰۳۹۷
		انحراف معیار	۰/۰۲۶۳	۰/۰۳۵۹	۰/۰۳۱۳
مشاهدات		۵۱	۵۲	۱۰۳	

جدول (۶)، تحلیل دو به دوی جمع ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول را برای مشاهده‌های هر گروه نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین (میانه) جمع ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول برای مشاهدات گروه بانک‌های «قوی - ضعیف» ۶/۳ درصد (۴/۲ درصد) کل تسهیلات بوده است و این رقم برای مشاهدات گروه بانک‌های «ضعیف - قوی»، ۳/۱ درصد (۳/۳ درصد) کل تسهیلات بدست آمده است. همچنین، فرض صفر معنادار نبودن تفاوت میانگین‌ها در سطح ۱ درصد رد می‌شود (آماره $t = -2/78$) و بر این اساس، فرضیه اول مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، نسبت هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» نسبت به بانک‌های گروه «ضعیف-قوی» بالاتر است.

۱. عملکرد واقعی و پیش‌بینی عملکرد بر اساس سود مدیریت‌نشده (سود قبل از مالیات و ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول تقسیم بر کل دارایی‌های دوره) بوده است. در این جدول، کل ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول نیز بر میزان کل تسهیلات دوره، تقسیم شده است. ضمناً معنی داری ضرایب در سطح ۰/۹۹، ۰/۹۵ و ۰/۹۰ به ترتیب با علامت ***، ** و * نشان داده شده است.

همچنین، به منظور آزمون فرضیه دوم که مربوط به یافتن شواهدی دال بر مدیریت سود در بانک‌ها به طور ویژه از طریق ذخیره م.م خاص است، اطلاعات مربوط به ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص بر اساس گروه‌بندی از پیش تعیین شده، در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول (۷). ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص برای مشاهده‌های گروه‌های چهارگانه

	عملکرد واقعی				
	کل	ضعیف	قوی		
		۱	۲		
پیش‌بینی عملکرد	ضعیف	میانگین	۰/۰۴۱۴	۰/۰۳۷۹**	۰/۰۴۰۰
		میانه	۰/۰۳۹۰	۰/۰۲۶۵	۰/۰۳۶۷
		انحراف معیار	۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۷۴	۰/۰۲۷۵
		مشاهدات	۳۱	۲۰	۵۱
			۳	۴	
	قوی	میانگین	۰/۰۲۰۶**	۰/۰۱۷۲	۰/۰۱۸۵
		میانه	۰/۰۱۹۶	۰/۰۱۸۰	۰/۰۱۸۴
		انحراف معیار	۰/۰۰۳۰	۰/۰۱۳۹	۰/۰۱۵۴
		مشاهدات	۲۰	۳۲	۵۲
	کل	میانگین	۰/۰۳۳۲	۰/۰۲۵۲	۰/۰۲۹۲
		میانه	۰/۰۳۴۴	۰/۰۲۰۳	۰/۰۲۳۷
انحراف معیار		۰/۰۲۳۸	۰/۰۲۵۰	۰/۰۲۴۶	
مشاهدات		۵۱	۵۲	۱۰۳	

جدول (۷)، تحلیل دو به دو به دوی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص را برای مشاهده‌های هر گروه نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین (میانه) ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص برای مشاهده‌های گروه بانک‌های «قوی - ضعیف» ۳/۸ درصد (۲/۶ درصد) کل تسهیلات بوده است و این رقم برای مشاهده‌های گروه بانک‌های «ضعیف - قوی» عدد ۲/۱ درصد (۲ درصد) کل تسهیلات بدست آمده است. همچنین، فرض صفر معنادار نبودن تفاوت میانگین ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص گروه ۲ و ۳ در سطح ۹۵ درصد رد می‌شود

(t-value = -۲/۰۷) و بر این اساس، فرضیه دوم نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارت

دیگر، نسبت هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول خاص برای بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» نسبت به بانک‌های گروه «ضعیف-قوی» بالاتر است که با یافته‌های کانارگانام و همکاران (۲۰۰۳) سازگار است.

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آزمون مدل اول و دوم

پس از یافتن شواهدی دال بر مدیریت سود در بانک‌ها، در این بخش عوامل توضیح‌دهنده «جمع ذخیره م.م» و «ذخیره م.م خاص» در دو گروه بانک‌های «قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا ابتدا نتایج حاصل از تخمین مدل ۱ داده می‌شود. سپس جهت برآورد تأثیر ذخیره م.م خاص بر ریسک بانک‌ها از مدل ۲ استفاده می‌شود. نتایج حاصل از مدل ۱ به منظور بررسی فرضیه‌های سوم تا پنجم استفاده می‌شود.

فرضیه سوم: سطح هموارسازی سود از طریق ذخیره خاص با نسبت تسهیلات به سپرده‌ها رابطه دارد.

فرضیه چهارم: سطح هموارسازی سود بانک‌ها از طریق ذخیره خاص با سطح سود و زیان غیرعملیاتی رابطه دارد.

فرضیه پنجم: سطح هموارسازی سود از طریق ذخیره خاص با کفایت سرمایه رابطه دارد.

در جدول (۸)، نتایج حاصل از تخمین مدل ۱ برای بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» (جدول اول) و گروه «ضعیف-قوی» (جدول دوم) به نمایش گذاشته شده است. پیش از این، نشان داده شد که مدیران این بانک‌ها به طور میانگین، بالاترین ارقام را هم در جمع ذخیره م.م و هم در ذخیره م.م خاص به منظور ذخیره سود و انتقال آن به دوره آتی شناسایی می‌کنند (جدول ۶ و ۷). بر این اساس، این بخش به آزمون فرضیه‌های سوم تا پنجم برای بانک‌های واقع شده در گروه «قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی» می‌پردازد.

نتایج جدول اول جدول (۸) مربوط به بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» بوده و بیانگر آن است که سود غیرعملیاتی با ضریب منفی $1/445$ در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است. بر این اساس، فرضیه چهارم برای بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» مورد تأیید قرار می‌گیرد و سطح هموارسازی سود بانک‌ها از طریق ذخیره خاص با سطح سود و زیان غیرعملیاتی رابطه دارد. با عدم داری ضرایب متغیرهای نسبت تسهیلات به سپرده و کفایت سرمایه،

فرضیه سوم و پنجم نیز برای بانک‌های این گروه مورد تأیید قرار نگرفت. به عبارت دیگر، شواهدی دال بر رابطه سطح هموارسازی سود از طریق ذخیره خاص با نسبت تسهیلات به سپرده‌ها و نسبت کفایت سرمایه یافت نشد. با این حال، لگاریتم طبیعی دارایی‌ها، تغییرات تسهیلات، تسهیلات غیرجاری و تغییرات تسهیلات غیرجاری در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار شدند. همچنین، نتایج جدول دوم جدول (۸) بیانگر آن است که متغیرهای سود غیرعملیاتی، تغییرات تسهیلات و تسهیلات غیرجاری برای بانک‌های گروه «ضعیف-قوی» معنی‌دار شده است. سود غیرعملیاتی با ضریب مثبت $0/076$ در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است. بر این اساس، فرضیه چهارم مورد تأیید قرار گرفت و فرضیه سوم و فرضیه پنجم برای بانک‌های گروه «ضعیف-قوی» مورد تأیید قرار نگرفتند. همچنین، تغییرات تسهیلات و تسهیلات غیرجاری به ترتیب در سطح ۹۵ و ۹۰ درصد معنی‌دار شدند.

جدول (۸). نتایج حاصل از برازش مدل اول برای بانک‌های قوی - ضعیف و ضعیف - قوی

$DLLP_{it} = \beta_0 + \beta_1 NOPI_{it} + \beta_2 L/DEP_{it} + \beta_3 WELL_{it} + \beta_4 LASSET_{it} + \beta_5 CHNPL_{it} + \beta_6 NPL_{it-1} + \beta_7 CHLOAN_{it} + \varepsilon_{it}$								
نام متغیر	عرض از مبدا	سود غیر عملیاتی	تسهیلات به سپرده	کفایت سرمایه	لگاریتم طبیعی دارایی‌ها	تغییرات تسهیلات غیر جاری	تسهیلات غیر جاری	تغییرات تسهیلات
ضریب متغیر	C	NOPI	L/DEP	WELL	LASSET	CHNPL	NPL	CHLOAN
جدول اول: بانک‌های قوی - ضعیف								
مقدار ضریب	۰/۲۱۹۸۱ (۰/۰۰۱۸۶)	-۱/۴۴۵** (۰/۰۲۹۰)	۰/۰۰۰۱۹۲ (۰/۰۰۰۱۵۳)	-۰/۰۰۰۸۹۰ (۰/۰۰۰۱۵۳)	۰/۰۱۲۷۰۷*** (۰/۰۰۰۰۹۲)	۰/۱۶۴۶۷*** (۰/۰۰۲۰۷)	۰/۰۴۰۷۳۵*** (۰/۰۰۰۶۶۶)	-۰/۰۴۲۲۶۳*** (۰/۰۰۰۶۸۶)
R^2 تعدیل شده	٪۹۸/۱۷							
جدول دوم: بانک‌های ضعیف - قوی								
مقدار ضریب	۰/۱۰۷ (۰/۲۴۸)	۰/۰۷۶** (۰/۲۳۶)	۰/۰۰۰۴۰ (۰/۰۰۱۳۱)	-۰/۰۰۰۴۷ (۰/۰۱۳۵)	-۰/۰۰۰۴۸ (۰/۰۱۳۵)	۰/۰۰۷۹۶ (۰/۰۰۴۵۰)	۰/۰۷۴** (۰/۰۲۶۸)	-۰/۰۱۵۳۹* (۰/۰۰۶۷۸)
R^2 تعدیل شده	٪۷۶/۰۸							

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آزمون مدل دوم برای مجموع بانک‌های «قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی»

پس از یافتن شواهدی مبنی بر مدیریت سود در بانک‌ها از طریق جمع ذخیره م.م و به‌طور ویژه ذخیره م.م خاص، به عوامل توضیح‌دهنده جمع ذخیره م.م و ذخیره م.م خاص پرداخته شد. حال، به‌منظور بررسی اثر ذخیره م.م خاص بر ریسک یعنی آزمون فرضیه ششم، مدل (۲) مجموعاً برای تمام مشاهدات هر دو گروه بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی» تخمین زده می‌شود. همان‌گونه که پیش از این به تفصیل بیان شد، سه معیار ریسک، تحت عناوین ریسک خاص، ریسک سیستماتیک و ریسک کل به سه شکل جداگانه، به‌عنوان متغیر وابسته و متغیر ذخیره م.م خاص تقسیم بر مجموع تسهیلات با یک وقفه زمانی ($DLLP_{i,t-1}$)، به‌عنوان متغیر مستقل، و میانگین حجم روزانه معاملات تقسیم بر کل سهام در جریان (Frequency) و لگاریتم طبیعی دارایی‌ها (Lasset) به‌عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته می‌شوند. از آنجا که بانک‌های بزرگ دسترسی بیشتری به بازار سرمایه دارند، از انعطاف‌پذیری بالاتری در مواجهه با کمبود نقدینگی برخوردارند. همچنین، بانک‌های بزرگ توانایی بیشتری در تنوع‌سازی ریسک دارند (دمستز و استراهان^۱، ۱۹۹۷). لذا انتظار می‌رود متغیر اندازه به شکل منفی با سطح ریسک بانک در ارتباط باشد. لذا در مدل (۲)، متغیر لگاریتم طبیعی دارایی‌ها (Lasset) به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شده است. همچنین، براساس پژوهش اندرسون و فراسر^۲ (۲۰۰۰)، حجم روزانه معاملات به‌عنوان شاخصی برای سرعت تعدیل قیمت سهام بر طبق اطلاعات جدید قلمداد می‌شود. از آنجا که سرعت می‌تواند با نوسان دارایی‌ها و تعهدات به‌طور مستقیم در ارتباط باشد، انتظار می‌رود این عامل با ریسک رابطه مثبت داشته باشد (ياسودا و همکاران، ۲۰۰۴). لذا در مدل (۲)، متغیر حجم روزانه معاملات تقسیم بر کل سهام در جریان (Frequency) به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شده است.

1. Demsetz and Strahan
2. Anderson and Fraser

جدول (۹). نتایج حاصل از برازش مدل سوم برای بانک‌های گروه «ضعیف- قوی» و

«قوی- ضعیف»

$RISK_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 DLLP_{i,t-1} + \alpha_2 LASSET_{it} + \alpha_3 FREQUENCY_{it} + \varepsilon_{it}$			
متغیر وابسته	ریسک خاص	ریسک سیستماتیک	ریسک کل
C	-۹۱/۶*** (۱۴/۱)	-۵۹/۰*** (۱۷/۸)	-۱۵/۹ (۱۹/۳)
DLLP	-۵/۶۸۰*** (۰/۷۴۲)	۷۶/۳ (۴۶/۹)	-۲۱۳/۶*** (۵۱/۴)
LASSET	-۸۹/۶** (۳۷/۶)	۳/۰۱۹*** (۰/۹۶۴)	۱/۹۲** (۱/۰۱)
FREQUENCY	۱۸۵ (۲۴۵۳)	۲۲۳۸ (۲۷۳۴)	-۱۸۶۸ (۳۳۵۵)
R ² تعدیل شده	٪۶۳/۷۰	٪۳۱/۲۹	٪۳۰/۸۹
آماره F	***۲۲/۰۶	***۶/۶۲	***۶/۳۶

جدول (۹)، نتایج حاصل از برازش سه معیار ریسک بر عامل ذخیره م.م خاص، متغیر اندازه و متغیر حجم معاملات را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل شده برای ریسک خاص (ستون سمت راست)، ضرایب متغیرهای DLLP و Lasset به ترتیب در سطح ۹۹ و ۹۵ درصد معنی دار شده‌اند. از آنجا که ضریب DLLP منفی شده است، با افزایش عامل DLLP، ریسک خاص بانک‌های قرار گرفته شده در نمونه کاهش خواهد یافت. از آنجا که فرضیه ششم، عدم ارتباط ریسک با هزینه م.م خاص بوده است، این فرضیه برای ریسک خاص مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. با این حال، بر اساس پژوهش یاسودا و همکاران (۲۰۰۴) انتظار می‌رفت که سرمایه‌گذاران حساب آرایبی با استفاده از ذخیره م.م را در نوسان قیمت (ریسک) لحاظ نکنند. همچنین، ضریب متغیر Lasset منفی و معنی دار است. بر این اساس، با افزایش دارایی‌ها، ریسک خاص بانک‌ها کاهش می‌یابد.^۱

ستون وسط جدول (۹)، نتایج حاصل از برازش ریسک سیستماتیک بر عامل ذخیره م.م خاص، متغیر اندازه و متغیر حجم معاملات را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل شده، تنها متغیر لگاریتم طبیعی دارایی‌ها در سطح ۹۹ درصد معنی دار شده است. از آنجا که فرضیه

۱. یک نکته ممکن است این باشد که با بزرگتر شدن بانک، وزن آن در شاخص بورس افزایش یافته و لذا به صورت خودکار، در زمان تخمین ریسک خاص و سیستماتیک، سهم ریسک خاص کمتر و سهم ریسک سیستماتیک بیشتر می‌شود.

ششم، عدم ارتباط ریسک با هزینه م.م خاص بوده است، این فرضیه برای ریسک سیستماتیک مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب تعیین (R^2 تعدیل شده) پایین این مدل، احتمالاً به واسطه وجود برخی متغیرهای اساسی دیگری است که عامل ریسک سیستماتیک را به نحو بهتری توضیح می‌دهند.

ستون سمت چپ جدول (۹)، نتایج حاصل برآزش ریسک کل بر عامل ذخیره م.م خاص، متغیر اندازه و متغیر حجم معاملات را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل شده، ضریب DLLP در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار شده است. از آنجا که ضریب DLLP منفی است، با افزایش این متغیر، ریسک کل کاهش می‌یابد. با این حال، بر اساس پژوهش یاسودا و همکاران (۲۰۰۴) انتظار می‌رفت که سرمایه‌گذاران حساب‌آرایی با استفاده از ذخیره م.م را در نوسان قیمت (که تحت عنوان ریسک شناخته می‌شود) وارد نکنند. لذا از آنجا که فرضیه ششم، عدم ارتباط ریسک با هزینه م.م خاص بوده است، این فرضیه برای ریسک کل مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها در جدول (۱۰) گزارش شده است.

جدول (۱۰). خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

شماره	شرح فرضیه	گروه بررسی شده	نتیجه	تحلیل نتیجه
یک	نسبت هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» نسبت به بانک‌های گروه «ضعیف-قوی» بالاتر است.	«قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی»	رد نشد	شواهدی از مدیریت سود با استفاده از جمع ذخیره م.م یافت شد.
دو	نسبت هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول خاص برای بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» نسبت به بانک‌های گروه «ضعیف-قوی» بالاتر است.	«قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی»	رد نشد	شواهدی از مدیریت سود با استفاده از ذخیره م.م خاص یافت شد.
سه	سطح هموارسازی سود از طریق ذخیره خاص با نسبت تسهیلات به سپرده‌ها رابطه دارد.	«قوی-ضعیف»، «ضعیف-قوی»	برای هر دو گروه رد شد	تأمین مالی خارجی که با شاخص نسبت تسهیلات به سپرده‌ها مشخص می‌شود، در مدیریت سود نقش ندارد.
چهار	سطح هموارسازی سود بانک‌ها از طریق ذخیره خاص با سطح سود و زیان غیرعملیاتی رابطه دارد.	«قوی-ضعیف»، «ضعیف-قوی»	برای هر دو گروه رد نشد	روش‌های جایگزین که با شاخص سود غیرعملیاتی مشخص می‌شود، در مدیریت سود نقش دارد.
پنج	سطح هموارسازی سود از طریق ذخیره خاص با کفایت سرمایه رابطه دارد.	«قوی-ضعیف»، «ضعیف-قوی»	برای هر دو گروه رد شد	الزامات مقرراتی که با شاخص کفایت سرمایه مشخص می‌شود، در مدیریت سود نقش ندارد.
شش	نسبت ذخیره خاص با سطح ریسک بانک رابطه ندارد.	«قوی-ضعیف» و «ضعیف-قوی»	ریسک خاص: رد شد ریسک کل: رد شد ریسک سیستماتیک: رد نشد	ذخیره م.م خاص در نوسان قیمتی سهام بانک‌ها نقش دارد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی مدیریت سود در صنعت بانکداری ایران با استفاده از ذخیره (هزینه) مطالبات مشکوک‌الوصول به عنوان مهم‌ترین قلم تعهدی گزارشگری مالی بانک‌ها پرداخته است. همان‌طور که پیش از این بیان شد، در گام اول، مشاهدات بانک - سال بر اساس تقسیم‌بندی‌های گفته شده در چهار گروه «ضعیف-قوی»، «قوی-ضعیف»، «قوی-قوی» و «ضعیف - ضعیف» جای گرفتند. از آنجا که بر اساس پیشینه تحقیق، انتظار می‌رفت که تنها مدیران بانک‌های دو گروه «قوی - ضعیف» و «ضعیف - قوی» اقدام به دستکاری سود کنند، این دو گروه مورد بررسی قرار گرفتند. بدین منظور، برای دو گروه یادشده، سطوح جمع ذخیره م.م و ذخیره م.م خاص به منظور یافتن شواهدی از دستکاری سود مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که نسبت جمع هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌های قوی-ضعیف نسبت به بانک‌های ضعیف-قوی بالاتر است. با تدقیق بیشتر مشخص شد که میانگین (میانگین) جمع ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول مشاهدات گروه بانک‌های «قوی - ضعیف» بیشتر از مشاهدات گروه بانک‌های «ضعیف - قوی» بوده است. همچنین بر اساس مطالعات کاناگارتنام و همکاران (۲۰۰۳)، انتظار می‌رفت که مدیران، هموارسازی سود را از طریق دستکاری در بخش خاص ارقام تعهدی صورت دهند. بر این اساس، آزمون دقیق‌تر در مورد هموارسازی سود، از طریق مقایسه بخش خاص ذخیره م.م در دو گروه بانکی انجام و نشان داده شد که نسبت هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول خاص برای بانک‌های گروه «قوی-ضعیف» نسبت به بانک‌های گروه «ضعیف-قوی» بالاتر است. تأیید هر دو این فرضیه‌ها بیانگر این مطلب است که مدیران بانک‌ها در دوره با سود بالا، اقدام به ذخیره سود از طریق ذخیره م.م می‌کنند و بالعکس، در دوره‌های با سود اندک، از طریق کاهش ذخیره م.م اقدام به مصرف سود آینده و انتقال آن به دوره جاری می‌کنند. همچنین با افزایش هزینه م.م، سود واقعی را کاهش داده تا در آینده قدرت و انعطاف‌پذیری لازم را برای افزایش سود داشته باشند.

بر اساس پژوهش کاناگارتنام و همکاران (۲۰۰۳)، به منظور آزمون هموارسازی سود، نیازه شناسایی شرایطی بود که عوامل انگیزشی مدیران برای این اقدام وجود داشته باشد. عوامل انگیزشی مدیران در تغییر میزان ذخیره شامل نیاز به تأمین مالی خارجی، میزان در دسترس بودن سایر روش‌های هموارسازی سود نظیر شناسایی سود و زیان غیر عملیاتی و

پایش نهادهای ناظر در ارتباط با الزامات سرمایه‌ای در قالب فرضیه‌های سه تا پنج برای دو گروه بانک‌های «ضعیف- قوی» و «قوی- ضعیف» مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آنها به صورت خلاصه در جدول (۱۰) بیان شد.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها برای هر دو گروه بانک‌های مورد بررسی، در دسترس بودن سایر روش‌های هموارسازی سود نظیر شناسایی سود و زیان غیر عملیاتی در مدیریت سود تأیید شد. با این حال، نیاز به تأمین مالی خارجی و پایش نهادهای ناظر در ارتباط با الزامات سرمایه‌ای در مدیریت سود در بانک‌های پذیرفته شده در بورس تهران مورد تأیید قرار نگرفت. همچنین با معنی دار شدن ضرایب تسهیلات غیر جاری، تغییرات تسهیلات غیر جاری و تغییرات تسهیلات، بر نقش آنها در سطح ذخیره م.م خاص اشاره شد. هم چنین نتایج پژوهش حاضر در بخش ارتباط ذخیره م.م خاص و ریسک، مؤید آن است که ذخیره م.م خاص با سطح ریسک (ریسک خاص و ریسک کل) بانک، رابطه معکوس دارد که با یافته‌های یاسودا و همکاران (۲۰۰۴) سازگار است. ارتباط منفی ذخیره م.م خاص یک دوره قبل با ریسک، احتمالاً می‌تواند به معنای آن باشد که در این مورد خاص، سرمایه‌گذاران متوجه دستکاری سود نشده‌اند.

مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر، شامل موارد زیر است:

۱. داده‌های موجود بانک‌ها در بازار سرمایه، به دلیل عدم تجانس زمانی با یکدیگر (تقدم و تأخر در زمان ورود به بورس یا فرابورس تهران)، به یک اندازه در دسترس نبوده است.
۲. برخی از اقلام ریز در صورت‌های مالی - همانند تفکیک جمع ذخیره م.م به ذخیره م.م عمومی و ذخیره م.م خاص - (خصوصاً در سال‌های ابتدای دوره مورد بررسی) به طور کامل افشا نشده است.
۳. تعداد محدود بانک‌های بورسی و فرابورسی و در نتیجه پایین بودن تعداد مشاهدات، بالقوه می‌تواند بر نتایج این تحقیق به عنوان یک محدودیت قابل ملاحظه مؤثر باشد.

منابع

- ثقفی، علی؛ مرفوع، محمد (بهار ۱۳۹۰) ریسک نقدشوندگی سهام و کیفیت سود، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱-۳۷.
- خواجوی، شکرالله؛ ناظمی، امین (۱۳۸۴)، بررسی ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام با تاکید بر نقش ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۰.
- دامودران، اسوات (بهار ۱۳۹۳) مالی شرکتی پیشرفته رویکرد کاربردی، ترجمه احمد بدری، روح‌اله فرهادی، سارا شهریاری، انتشارات نص.
- زلفی، حسین؛ قدمی‌مشهور، آسیه (۱۳۹۷) بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی با شفافیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال پانزدهم، شماره ۵۸، صص ۱۶۱-۱۷۹.
- سوری، علی (۱۳۹۳) اقتصادسنجی همراه با کاربرد *Eviews8* & *stata 12*، نشر فرهنگ‌شناسی، تهران.
- مجموعه قوانین و مقررات بانک مرکزی ج.ا.ا.
- مشایخی، بیتا؛ مهرانی، ساسان؛ مهرانی، کاوه؛ کرمی، غلامرضا (۱۳۸۴) نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، صص ۶۱-۷۴.
- مهرانی، ساسان؛ اسکندری، قربان؛ گنجی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۳۹-۱۱۷.
- نجفی، مهرناز (۱۳۹۰) مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- نوری بروجردی، پیمان؛ سوری، داود؛ اشرف گنجوئی، محمدعلی (پاییز ۱۳۹۲) مدیریت سود، ریسک سهام و نوسانات درآمد در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات کمی در مدیریت، سال چهارم، شماره سوم.
- یحیائیان، لیلا (۱۳۹۱) رابطه مدیریت سود و نقدشوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در

بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- Ahmed, A. S., C. Takeda and S. Thomas (1999) Bank Loan Loss Provisions: A Reexamination of Capital Management, Earnings Management and Signaling Effects.” *Journal of Accounting and Economics*, 1–25.
- Barth, M., Cram, D., Nelson, K (2001) Accruals and the prediction of future cash flow. *The Accounting Review* 76, 27–58.
- Beatty, A., Harris, D (1999) The effects of taxes, agency costs and information asymmetry on earnings management: a comparison of public and private firms. *Review of Accounting Studies* 4, 299–326.
- Becker, C., De Fond, M., Jiambalvo, J., Subramanyam, K.R (1997) The effect of audit quality on earnings management. Working paper, University of Washington, Seattle, WA.
- Cheni, m., Win J. Suini, h. Adabsh, S (2009) Ownership Differences and Firm Income Smoothing Behavior, *Journal of Business Finance and Accounting*, 36, pp21-39.
- Dechow, P. and Dichev, I (2002) The quality of accruals and earnings: the role of accrual estimation errors. *The Accounting Review* 77, 35–59.
- Dechow, P., R. Sloan and A. Sweeney (1995) Detecting earnings management, *The Accounting Review*. Vol. 2. No, 70.
- Diantimala, Y (2018) The Impact of Industry-Specific Regulation on Income Smoothing Practice: Evidence from Indonesian Commercial Banks, *Journal of Accounting, Finance and Auditing Studies* vol,4/1. No 59-78.
- Fama, Eugene F. and French, Kenneth R (1992) The Cross-section of Expected Stock Returns, *The Journal of Finance*. Vol, XLVIL. No, 2.
- Fudenberg, D. and J. Tirole (1995) A Theory of Income and Dividend Smoothing Based on Incumbency Rents. *Journal of Political Economy*, 75–93.
- Healy, PM and Wahlen, J. (1999) A Review of the Earnings Management Literature and its implication for Standard Setting, *Accounting Horizons*. Vol, 13. No, 4.
- Herve, Stolowy. Gaetan, Breton (2003) Accounts Manipulation: A Literature Review and Proposed Conceptual Framework, *Review of Accounting and Finance*. Vol, 1. No,3.
- Jin, Justin. Kanagaretnam, Kiridaram. Lobo, J. Gerald. (2018) Discretion in Bank loan Allowance, Risk Taking and Earnings Management, *Journal of Accounting and Finance*. Vol.58
- Kanagaretnam, K, J.LOBO, Mathieu, R (2003) Managerial incentives for income smoothing through bank loan loss provisions, *Review of Quantitative Finance and Accounting*. vol. 20.

- Kim, M. and W. Kross (1998) The Impact of the 1989 Change in Bank Capital Standards on Loan Loss Provisions and Loan Write-Offs." *Journal of Accounting and Economics*, 69-99.
- Lintner, J. (1965) The Valuation of Risk Assets and Selection of Risky Investments in Stock Portfolios and Capital Budgets, *Review of Economics and Statistics*, Vol, 47.
- McNichals, M (2002) Discussion of the quality of accruals and earnings: the role of accrual estimation errors, 77, *the accounting review*, 61-69.
- McNichols, M (2000) Research design issues in earnings management studies. *Journal of Accounting and Public Policy* 19, 313-345.
- Rajgopal, S., Shevlin, T (2002) Empirical evidence on the relation between stock option compensation and risk taking. *Journal of Accounting and Economics* 33, 145-171.
- Subramanyam, K.R (1996) The pricing of discretionary accruals, *Journal of Accounting and Economics*, 22, 249-281
- Wan Masliza, Wan Mohammad and Shaista Wasiuzzaman and Rapih Mohd Zaini (2011) Panel Data Analysis of the Relationship between Earnings Management, Bank Risks, Loan loss Provision and Dividend per Share" *Journal of Business and Policy Research*. Vol, 6. No,1
- Watts, R.I. and J. Zimmerma. (1978) Toward a positive theory of the determination of accounting standards, *The Accounting Review*. Vol, 56.
- Yasuda, Y, Okuda, S and Konishi, M (2004) The Relationship between Bank Risk and Earnings Management: Evidence from Japan, *Review of Quantitative Finance and Accounting*. vol. 22.